یاد بعضی نفرات

در بخش معرفی ترانه‌سرایان پس از انقلاب، چهار نام مهم در بررسی سیر ترانه‌سرایی پس از انقلاب اسلامی از قلم افتاده‌اند که تصمیم گرفتیم در این بخش به آنها بپردازیم.

سهیل محمودی از ترانه‌سرایان نسل اول پس از انقلاب است. حضور فعال و پررنگ او در صداوسیما سبب شد که باگسترده شدن ارتباطاتش در حوزه موسیقی، بسیاری از قطعات و تصانیف تولیدی در سازمان صدا و سیما براساس شعرهایی از محمودی باشد.

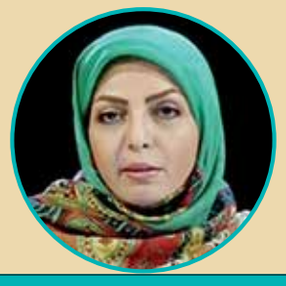

نیلوفر لاری‌پور را نیز باید از ترانه‌سرایان همین نسل دانست. با این تفاوت که او حضور چندانی در تولیدات تلویزیون و رادیو نداشت و بیشتر در فضای موسیقی پاپ در بازار موسیقی حضور داشت. او از اولین ترانه‌سرایانی است که با شادمهر عقیلی همکاری کرد و در اوایل فعالیت این خواننده نقش بسزایی در موفقیت او داشت. لاری‌پور به مرور زمان با رویش نسل جدید ترانه‌سرایی در ایران آرام آرام کم‌کارتر شد و امروز تقریبا فعالیت چندانی در حوزه ترانه‌سرایی ندارد.

در روزهای پایانی قرن حاضر به یکی از گونه‌های ادبی پرداخت

من ترانه ا

پیمان طالبی
صابر محمدی
ادبیات و هنر

هرقدر هم بگویید ملت ایران، مردمان شعرند و همه در خانه‌شان دیوان حافظ به تاقچه دارند، باید بگوییم شعر، مطلقا شناخته‌شده‌ترین وجه ادبیات فارسی نیست. می‌گویند ما ملت شعر هستیم اما بدیهی است اگر همین حالا از دفتر روزنامه بیرون برویم و از همین ملت شعر بخواهیم یک غزل از حافظ بخوانند، اغلبشان همان یک بیت آغازین دیوان را خواهند خواند و خلاص اما همان عابرهای می‌توانند برای ما چند ترانه را از حفظ بخوانند. ترانه‌هایی که در حافظه تاریخی مردم بسته است؛ همان حافظه‌ای که به کوتاهی متهم است. مردم ترانه‌ها را می‌شنوند و می به آنها کمک می‌کند ترانه‌ها را تا ابد به خاطر بسپارند. راستش را بخواهید ما در بخش صفحه نوشته‌ایم که ترانه را باید مثل شعر جدی گرفت و اساساً تقسیم‌بندی ب

هنر ادبیات قرنی که گذشت
شماره اول: ترانه پاپ

ترانه‌نویسی در ایران چه تاریخی دارد؟

نیم قرن شیدایی

همانند بسیاری از هنرها تاریخ دقیقی برای ظهور ترانه و این که چه کسی اولین ترانه را سروده نمی‌توان یافت. پیشینه ترانه‌سرایی در زبان پارسی به متون ساسانی باز می‌گردد و خسروانی‌هایی که به باربد منسوب است. در ادبیات پس از اسلام و با نفوذ ادبیات و عروض عرب قالب‌ها و اشکال شعری آنان نیز به‌سرعت در بین ایرانیان رواج می‌یابد. از این زمان تا دوره قاجار به صورت پراکنده به ترانه با تعابیر مختلف اشاره شده‌است، همانند: حراره‌گویی که اشعاری بود که مردم می‌ساختند و می‌خواندند. ترانه در متون قدیمی عموما به معنای رباعی به کار رفته‌است. در هر صورت آنچه از این سال‌ها به دست ما رسیده، ادبیات رسمی و قالب‌های کلاسیک است. این اشعار به همراه موسیقی و به آواز نیز خوانده می‌شده ولی اشعاری که خارج از قالب‌های کلاسیک و صرفا برای اجرای موسیقیایی سروده شده، در دست نیست.

تنها می‌توان به فهلویات اشاره کرد که در قالب دوبیتی، همراه با ساز خوانده می‌شده‌است. قدیمی‌ترین نمونه‌های فهلویات، دوبیتی‌های منسوب به باباطاهر است. اما اینها تبار ترانه است. باید دید ترانه‌ای که امروز می‌شناسیم از کجا پا گرفته‌است. تعریفی که امروزه از ترانه و ترانه‌سرایی ارائه می شود با علی اکبرخان شیرازی متخلص به شیدا (۱۲۲۲- ۱۲۸۵ ش مدفون در ابن بابویه شهر ری) آغاز می‌شود. او بی‌شک و به زعم بسیاری احیاگر هنر ترانه‌سرایی در دوره معاصر است که با آگاهی و تسلط بر ظرایف شعر و موسیقی به تصنیف‌سازی پرداخت و به آن وجه ادبی بخشید. قدیمی ترین تصنیف‌هایی که امروزه به صورت کامل در اختیار داریم، از شیداست.

تصنیف‌هایی چون امشب شب مهتابه، بت چین، دوش دوش ، عقرب زلف کجت ، شب وصل ، سلسله موی دوست ، در فکر تو بودم ، صورتگر نقاش چین و... تا پیش از شیدا، تصنیف فاقد شکل ادبی و رسمی بوده و دارای عباراتی سخیف و مبتذل بوده‌است. اما آنچه امروز به آن ترانه می‌گوییم با کاری که شیدا می‌کرد و تصنیف گفته می‌شد هم فرق دارد. با تأسیس رادیو در سال ۱۳۱۹ و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بعد از شهریور ۲۰ در کشور، موسیقی و به تبع آن ترانه‌سرایی رنگ و بویی دیگر می‌یابد. از این دوره رادیو به عنوان رسانه‌ای فراگیر که در دسترس همگان قرار دارد، به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جایگاه عرضه موسیقی آن سال‌ها و تعیین‌کننده ذائقه موسیقیایی جامعه بدل می‌شود و تا دهه‌های بعد این نقش را حفظ می‌کند.

مهم‌ترین جریان‌های قابل بررسی موسیقی آن سال‌ها در رادیو و سینما شکل می‌گیرد که البته در این میان رادیو، رسانه مؤثرتری است. در این میان ترانه‌سراهایی را می‌توانی ایرانی ترانه می‌نوشتند اما چون در این دو صفحه ترانه‌نویسی برای موسی تا در گزارشی دیگر به آنها بپردازیم. کار ما در واقع از ابتدای دهه ۵۰ و بر بسیاری ترانه «دو ماهی» شهیار قنبری را آغازگر این جریان می‌دانند. این ۵۰ منتشر می‌شود. خیلی زود ایرج جنتی‌عطایی، اردلان سرفراز و بعدها ک و... به این جریان می‌پیوندند و به نوشتن آثاری می‌پردازند که از یک س مردم پیدا می‌کند و از سویی دیگر وجه ادبی و رسمی خود را حفظ می‌ک نسبت به شعر معاصر از زیر سایه سنگین شعرکلاسیک رها می‌شود و ب معاصر ایرانی حیات خود را آغاز می‌کند. دوره بعدی که با وقوع انقلاب ترانه‌سرایی نوین ایران است.

جریان‌های مهم ترانه‌نویسی پاپ این دوره را با تاخیری حدود دسته‌بندی کرد: در دهه ۶۰ به جز سرودهای مناسبتی صدا و سیم نبود. از سال‌های اول دهه ۷۰، صدا و سیما دست به تولید آثار پ تا ترانه. از سال ۷۶ اما ترانه‌نویسی برای موسیقی پاپ دوباره جان منطقا با تولید آثاری شروع شد که ادامه‌دهنده جریان‌های منقطع این آثار شکل مستقلی به خود گرفته‌است. با این که بیش از یکص نخستین گام‌ها در زمینه ارائه بن‌مایه‌های نظری و تبیین معیارهای انجام شده‌است.

آنچه در این پرونده مورد توجه قرار گرفته، ترانه به عنوان یک قالب ادبی است. به معنای شعری متشکل از چند بیت مقفا و همسان از نظر تعداد هجاها و مصراع‌ها که با آواز خوانده می‌شود. طبیعتا در هر دوره‌ای این ترانه‌ها ممکن است توسط خوانندگان مختلف خوانده شده باشد و در بررسی ترانه لزوما ارتباط جدی میان ترانه با خوانندگان آن در ادوار مختلف وجود ندارد.

در آستانه

ترانه گاهی آدم می‌کشد

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

ترانه چیست؟ فرقش با سایر انواع ادبی چیست؟ چه کارکردی دارد؟ به چه کارمان می‌آید؟ و چه گلی به سر مخاطب می‌زند؟ این سوال از همان اولین پنجشنبه‌ای که در فرهنگسرای قانون که این روزها ابن‌سینا نام دارد و اطلاعیه جلسه شعر افشین یداللهی نازنین را دیدم تا همین امروز با من است؛ جلسه‌ای با موضوع تخصصی ترانه و موسیقی... تا قبل از آن جلسه فقط غزل می‌نوشتم. چند هفته اول هم آنجا چیزی نخواندم فقط شرکت می‌کردم و می‌شنیدم تا این‌که کم‌کم جرقه‌های اولین ارتکاب ترانه هم در من زده شد. دوستش داشتم. گندم را خورده بودم و هبوط کرده بودم در سرزمین ترانه. آبادی ترانه دورنمای زیبایی دارد. تو کوهنوردی هستی که پی جایی برای آرامش شبت می‌گردی. روستایی از دور لکه سبزی بر دشت انداخته. راه کج می‌کنی سمتش و گمان می‌کنی راهی نیست اما تا رسیدن به آن هفت‌خوانی وجود دارد که تا نروی ندانی...

برای منی که هم در دریای غزل پاچه‌ای خیس کردم و هم در چشمه ترانه وضویی گرفته‌ام و در عین حال در هر دو ساحت هیچم، فرق ترانه و غزل برای من فرق فوتبال و فوتسال است. هر دو نوع ساحت واژه‌اند. هر دو وزن و موسیقی و خیال و تصویر دارند همان‌گونه که هم در فوتبال دو دروازه داریم و هم در فوتسال. هم در فوتبال توپی وسط است و هم در فوتسال. هدف هم در هر دو گشودن دروازه حریف است. در فوتبال سانترهای مواج و پشت‌هجده‌های قوس‌دار را داری، در فوتسال از این دو شاید محرومی اما دریبل‌های یک‌پا دوپا و پاسکاری‌های ثانیه‌ای شعبده‌بازی با توپ را داری که به‌راحتی می‌تواند لذت آن دو را جبران کند.

در ترانه (منظورم ترانه‌ای است که به اجرا فکر می‌کند) تو با عنصر زمان و گذشت آن مواجهی. باید حواست به ذهن مخاطبت باشد که مضمون را از دست ندهد. باید با کلمه‌هایی که تو می‌شکنی و او هم می‌شکند مضامینی بیافرینی که گرامیداشت زبان باشند و به فربه کردن زبان فارسی که نه چیزی بر جامعه و قاموس محتوایی خودت اضافه کنی... ترانه گاهی معشوقی نجیب و مأخوذ به‌حیا و زیباست که حرف می‌زند، چای می‌ریزد، آرامت می‌کند و گاهی چریکی عاشق که تو را می‌شوراند و کنده بلوطی در دلت روشن می‌کند که برخیزی برای برخاستن و حرکت... ترانه غیرقابل پیش‌بینی است. گاهی بی‌رحمانه نویسنده‌اش را می‌کشد... آنگونه که احمد کایا را در ترکیه و آنگونه که ویکتور خارا را در شیلی... ترانه گاهی دلت را نرم می‌کند، کبابت می‌کند و رامت می‌کند مثل قندی که به کام اسبی سرکش می‌ریزد.

ترانه، قالب شیرین هم روزگار ما در این دهه‌ها فراز و فرودهایی داشته. گاهی گل کرده و میوه داده و گاهی برگ‌ریزان را تجربه کرده و در خواب زمستانی بوده و گذشت روزگار را نفهمیده است. ترانه (منظورم پکیج تولید شده سه رکن خواننده و آهنگساز و شاعرش) مهم‌ترین ویژگی‌اش هم این است که خاطره‌ساز است و در عین حال خاطره‌سوز... گاهی یک ترانه از دوردست که توی تاکسی می‌شنوی تو را از توی همان تاکسی یقه می‌کند. جوانت می‌کند. همان عطر آن سال‌ها را می‌زند توی یقه پیراهنت، موهای سفیدت را دوباره سیاه می‌کند و پوستت را صاف. بعد می‌برد می‌نشاندت توی یک کافه سر یک قرار قدیمی عاشقانه. ترانه گاهی تو را چند کیلومتر جلوتر از جایی که می‌خواهی پیاده کنی پیاده می‌کند.

در این نوشتار، کارنامه تعدادی از ترانه‌سرایان موفق بعد از انقلاب را بررسی کرده‌ایم. این هشت نفر صرفا نماینده‌ای از ترانه‌سرایان بعد از انقلاب هستند و نام‌های بسیاری از ترانه‌سرایان دیگر از قلم افتاده‌اند. این به هیچ‌وجه به معنای نادیده انگاشتن تاثیر سایر ترانه‌سرایان نیست، بلکه در انتخاب این افراد، پراکندگی مضمونی و زبانی آثارشان و تجربه فضاهای مختلف توسط آنان در نظر گرفته شده است.

شاعر شاعران

علی معلم دامغانی

احتمالا شنیده‌شده‌ترین قطعه‌ای که از معلم در ذهن دارید، ترانه «باران» در آلبوم «شب، سکوت، کویر» محمدرضا شجریان یا همان «ببار ای بارون ببار...» خودمان است. علی معلم دامغانی را پیش از هرچیز به زبان محکم اشعارش به‌خصوص در قالب مثنوی می‌شناسیم. مخاطب معلم در حیطه شعر کلاسیک با شعرهایی مواجه است که سخت فهمیده می‌شوند و به علت گرایش معلم به زبان کهن و واژگان و ترکیبات قدیمی‌تر، شاید هرکسی نتواند با این شعرها به‌خوبی ارتباط برقرار کند.

از این حیث به قول یوسفعلی میرشکاک باید معلم را «شاعر شاعران» نامید. اما در حیطه ترانه، مخاطب با معلمی روبه‌روست که به ظرفیت‌ها و ظرافت‌های زبان محاوره به‌خوبی آگاه است و ملموس‌ترین مفاهیم جامعه را با زبانی نرم و سلیس بیان می‌کند. ترانه‌هایی که از او با صدای مجید اخشابی در سال‌های اخیر شنیده‌ایم شاهدی بر این مدعاست. این قطعات که اکثرا تیتراژهای سریال‌های تلویزیونی. به‌خصوص در ماه مبارک رمضان. بوده‌اند، به‌سرعت همه‌گیر شدند و بر زبان مردم جامعه جای گرفتند. معلم با سرودن این آثار ثابت کرد که اگر بستر مناسب برای سخن گفتن به زبان مردم برای او مهیا باشد، می‌تواند به‌مراتب جلوتر از بسیاری از ترانه‌سرایان هم‌روزگار خود نقش‌آفرینی کند. با ارائه سطحی برتر از سطح عمومی محاوره، توانست ترانه فارسی را با آثار خود ارتقا دهد. سرایش ترانه‌هایی در قالب نیمایی نظیر ترانه تیتراژ سریال «خانه به دوش» از مهم‌ترین تاثیرات حضور معلم در فضای ترانه فارسی است.

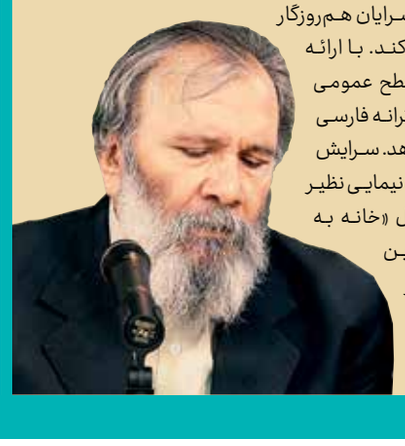

هم غزل هم ترانه

محمدعلی بهمنی

نام محمدعلی بهمنی با غزل‌هایش گره خورده است، اما نمی‌توان در بررسی کارنامه او از وجهه ترانه‌سرایی‌اش غافل شد و به آن توجه نکرد. بهمنی از کسانی بود که توانست با آهنگسازان جوان دهه ۷۰ به‌خوبی همکاری کند و در این همکاری‌ها آن وجهه شاعرانه‌اش نیز خدشه‌دار نشود. او با رعایت اسلوب شعری و خط قرمزهایی که یک شاعر در کار با خوانندگان دارد، توانست فضایی نو در موسیقی پاپ بیافریند و در دوره‌ای که شاعران بیشتر تمایل داشتند غزل‌هایشان را برای اجرای آوازی به خوانندگان موسیقی سنتی بسپارند، او در کنار خوانندگان و آهنگسازان موسیقی پاپ قرار گرفت تا با ماحصل این همکاری امروز نیز به‌عنوان بهترین نمونه‌های ترانه فارسی لقب بگیرد به نوعی که ما برای بهمنی غزلسرا هویت ترانه‌سرایی نیز قائل باشیم.

از جمله این آهنگسازان و خوانندگان می‌توان به شادمهر عقیلی و زنده‌یاد ناصر عبداللهی اشاره کرد. ترانه‌های «دهاتی»، «مثل روزای بارونی»، «ماه من» و «هوای حوا» از این جمله‌اند. بهمنی این روزها بیشتر در حیطه موسیقی سنتی فعالیت می‌کند و آخرین قطعاتی که از او با صدای خوانندگان شنیده‌ایم، غزل‌هایی بوده است که خوانندگان به صورت آوازی خوانده‌اند و این اشعار را از کتاب‌های شاعر برگزیده‌اند.

شاعری که ترانه را با جام جم آغاز کرد!

عبدالجبار کاکایی

شاید برایتان جالب باشد که عبدالجبار کاکایی که از مهم‌ترین ترانه‌سرایان بعد از انقلاب کار خودش را در زمینه ترانه‌سرایی از روزنامه جام جم آغاز کرد! چطور؟

این جملات از گفت‌وگوی کاکایی را بخوانید که درباره آغاز راهش در موسیقی است: «اولین بار که من با موسیقی پیوند خوردم، جلسه‌ای با حضور فریدون آسرایی و بهروز صفاریان بود. من هیچ‌کدام از آن دوستان را نمی‌شناختم. شعر «کبوتر» در روزنامه جام جم چاپ شده بود و آنها گفتند، می‌خواهند فریدون این شعر را بخواند. در آن جلسه می‌گفتم اگر این خواننده جادوگر هم باشد، نمی‌تواند بهتر از خودم شعر من را بخواند، چون با شعرم زندگی کرده‌ام. زمانی که صدا را پخش کردند، حس کردم که ایشان از خود من بهتر است و آن زمان قدرت جادویی صدای خواننده را در اجرای شعر فهمیدم.»

کاکایی از کسانی است که در زمینه ترانه به‌طور جدی فعالیت کرد تا جایی که ترانه را از انحصار در موسیقی بیرون آورد و چند کتاب از مجموعه ترانه‌هایش نیز به چاپ رساند تا تلاش‌های او و دیگر هم‌نسلانش سبب شود که امروز در جشنواره بین‌المللی شعر فجر، کتاب‌های ترانه نیز یک بخش مجزا را به خود اختصاص دهند و این‌گونه به‌عنوان یک قالب شعری به رسمیت شناخته شوند.

صاحبخانه ترانه

افشین یداللهی

نام افشین یداللهی از چند منظر در است. نخست این‌که یداللهی تنها ف انجمن «خانه ترانه بود» که بعد از «خانه ترانه» از این انجمن، در آن باق ترانه» را بر عهده داشت. بسیاری از ت از یداللهی را در ترانه فارسی تشکیل فضای موسیقی پاپ اسم و رسمی ترانه» هستند. پس از مرگ یداللهی ترانه» را به عهده گرفت.

دومین نقطه قوت کارنامه یداللهی تلویزیونی است. شاعران و ترانه‌س زمره سرایندگان تیتراژهای تلویزیو از حیث کمیت و کیفیت در این فقر شب آفتابی، غریبانه، شب دهم، می و معمای شاه از سریال‌هایی هس را سرود.

قطعاتی چون شب دهم با مطلع «مر با صدای علیرضا قربانی یا «ایران فد سالار عقیلی از نمونه‌های موفقی ا خواننده از فضای موسیقی سنتی هم